

منش انسان تابع تفسیر او از هستی است

یک استاد حوزه و دانشگاه در یادداشتی تأکید کرد: اخلاق را باید برآیندی از اعتقادات دانست؛ یعنی منش انسان تابع تفسیری است که از هستی و چند و چون آن ارائه می‌کند.



یک استاد حوزه و دانشگاه در یادداشتی تأکید کرد: اخلاق را باید برآیندی از اعتقادات دانست؛ یعنی منش انسان تابع تفسیری است که از هستی و چند و چون آن ارائه می‌کند.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام علی نصیری استاد حوزه و دانشگاه در یادداشتی با عنوان نقش پیامبران در بالندگی اخلاق الهی به نقش اخلاق الهی در زندگی انسان و نقد اخلاق سکولار پرداخته است:

اخلاق را باید برآیندی از اعتقادات دانست؛ یعنی منش انسان تابع تفسیری است که از هستی و چند و چون آن ارائه می‌کند. بر این اساس، اگر انسان، خدا را از جهان بردارد، دلیلی ندارد که به قول تولستوی همه چیز را مجاز نداند و اگر به جای باور به خداوندی حکیم، عالم، رحیم و منتقم که رفتاری مسئولانه از انسان را به دنبال می‌آورد، به پروردگاری از چوب و سنگ معتقد باشد که خوب را از بد باز نمی‌شناسد و توانایی دعوت به نیکی و پرهیز از پلشتی را ندارد، نمی‌توان از او توقع داشت که منش و رفتاری الهی و انسانی از او سرزند.

بر این اساس، باید اذعان کرد که میان دینداری بدان گونه که پیامبران منادی آن بودند با اخلاق مداری، رابطه مستقیم و گسست ناپذیری وجود دارد و در برابر، هر چه از برنامه و دعوت پیامبران فاصله بگیریم، از مرزهای اخلاق ستوده الهی فاصله گرفته ایم.

باری، می‌توان بدون تکیه به ادیان آسمانی و رهنمون پیامبران، از اخلاق سهمی برد که بر آن «اخلاق انسانی» یا «اخلاق سکولار» قابل اطلاق است، بدان گونه که امروز در عصر مدرنیته مشهود است، اما بدون تردید چنین گستره‌ای از اخلاق در چهارچوب منافع دنیوی و اقتصادی محصور بوده و ضمن راهیافت خطاهای فراوان در تحلیل و ارزشگذاری خوبیها و بدی‌ها، چهره‌ای ناقص و کژدار از اخلاق به تصویر می‌کشد.

از این رو، ارائه تصویری جامع و بی نقص از نظام اخلاقی بدون رهنمون پیامبران و تکیه به وحی الهی میسر نیست؛ بهترین شاهد مدعا تاریخی است که در پیش روی ما قرار دارد. به عبارت روشن‌تر، درنگریستن در پلشتی‌های اخلاقی امتهایی که پیامبران آسمانی برای هدایت آنان گسیل شدند، مدعای ما را اثبات می‌کند؛ درغلتیدن قوم لوط در گناه جنسی «هم جنس گرایی» که باعث باراندن باران سنگ بر سر آنان شد، و رواج فساد اقتصادی؛ یعنی کم فروشی و نیرنگ در معاملات، در میان قوم شعیب و رواج زنده به گور کردن دختران و رواج قتل و غارت و آدم ربایی در میان اعراب جاهلی از نمونه‌های آن است.

مفاهیمی همچون توحید، اخلاص، رضا، صبر، توکل، شکر و انابه در حوزه اخلاق بندگی و مفاهیمی همچون احسان، حُسن خلق، حلم، صداقت، عدالت و ایثار، در اخلاق اجتماعی و مفاهیمی همچون معرفت نفس، همت، خوشبینی، تلاش، محاسبه نفس و استقامت، در حوزه اخلاق فردی و ارزشهای اخلاقی همچون رعایت حقوق حیوانات و لزوم حفظ محیط زیست، در زمینه اخلاق زیستی از جمله ارزشهای تابناک اخلاقی اندکه به کامل‌ترین وجه در آموزه‌های اخلاقی پیامبران انعکاس یافته است.